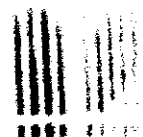


یوسف رسولی

کارشناس ارشد روان‌شناسی



# کودکان دبستان را بهتر بشناسیم

## مقدمه

پرورش کودک و چگونگی آن، موضوعی است که والدین و معلمان قبل از اتخاذ هر تصمیم لازم است به آن بیندیشند، در مورد آن مطالعه کنند و به مسئولیت‌های خودآگاه باشند. پرورش کودک ابعاد مختلفی دارد که باید رشد و شکوفایی همه آن ابعاد را در نظر داشت. به عبارت دیگر، نباید از یک بعد به کودک نگریست. کودک ما در هر دوره از زندگی‌اش، نیازهای عاطفی، اجتماعی، جسمی و ذهنی مخصوص خود را دارد که او را از دیگران متمایز می‌کند. از این رو آموزش و پرورش او باید باین خصوصیات هماهنگ باشد و شیوه رفتار با وی با توجه به این ویژگی‌ها انتخاب شود.

آینده در انتظار مردان و زنانی است که از نظر جسمی سالم و از نظر روانی متعادل و مفید برای جامعه خود باشند و

استعدادهای گوناگون آن‌ها شکوفا شده باشد. در این مقاله بعضی از ویژگی‌های مهم و اساسی در زمینه‌های جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی کودکان ۶-۱۲ ساله (دوره ابتدایی) مورد بررسی قرار می‌گیرد تا والدین و معلمان و همه دست‌اندرکاران تربیت کودک، آگاهی‌های بیش‌تری در مورد این کودکان پیدا کنند. امید است که در پرتو این نوع آگاهی‌ها بتوانیم افرادی شایسته برای مرز و بوم اسلامی‌مان تربیت کنیم.

کودکان از ما توقع ندارند که همه چیز را بدانیم، ولی اگر ندانستن خود را از آنان پنهان کنیم، اعتماد آن‌ها از ما سلب می‌شود.



کلاس با مشکلاتی روبه‌رو باشد، اما معلمان دوره ابتدایی چنین مشکلاتی ندارند، زیرا کودکان ابتدایی دارای انگیزه‌های درونی قوی برای فعالیت‌اند. (بیلر، ۱۳۶۹، ص ۱۶۰)

در این سن کودک از داستان‌ها لذت می‌برد و قادر است بدون بی‌قراری زیاد، به آن‌ها گوش فرا دهد. سرودها و ترانه‌های کودکانه را به سرعت می‌تواند به خاطر بسپارد و دوست دارد در خواندن دسته جمعی سرود شرکت کند. در بازی‌ها شرکت فعال دارد و از مقررات آن‌ها پیروی می‌کند. کودکان در این دوره، گاهی از کلمات ریچک استفاده می‌کنند و ممکن است که معنای دقیق آن‌ها را ندانند، اما عکس‌العمل‌های دیگران در مقابل آن‌ها، باعث تقویت و تکرار چنین رفتارهایی می‌شود. در این سن کودکان به خبرچینی تمایل دارند و هدف اصلی آن‌ها از این رفتار، جلب توجه دیگران است. (استوپارد، ۱۳۷۷، ص ۱۷۸)

بر خلاف بزرگسالان که می‌توانند از روی اراده بر موضوعی دقت کافی داشته باشند، کودکان نمی‌توانند مدت طولانی بر یک فعالیت خاص متمرکز شوند، زیرا دقت کودک از حالت عاطفی او متأثر است، از این‌رو درس‌های دوره اول ابتدایی باید بر پایه نیازهای آنی و فعالیت شخصی دانش‌آموزان استوار باشد. کودکان دوره ابتدایی تقریباً درباره همه چیز کنجکاوند. اگر در میان اشیای زیادی قرار بگیرند، سریعاً از یک شیء به شیء دیگر توجه می‌کنند، همه اشیاء اسباب‌بازی‌ها را به هم می‌ریزند و آن‌ها را دستکاری می‌کنند. واضح است که کنجکاوی سرمایه کودک است و از آن باید به بهترین وجه استفاده شود. کودکان معمولاً سوالات مختلفی می‌پرسند، حتی ممکن است که معلم یا والدین توانایی پاسخ دادن به آن‌ها را نداشته باشند. به خاطر داشته باشید که گمراه کردن وی با جواب غلط کاری جاهلانه و خطرناک است. کودکان از ما توقع ندارند که همه چیز را بدانیم، ولی اگر ندانستن خود را از آنان پنهان کنیم،



### خصوصیات ذهنی کودک دبستانی

در دوره دبستان، رشد ذهنی و استدلالی کودک سریع است و او به تدریج مهارت در حل مسئله را کسب می‌کند. علاقه زیادی به یادگیری دارد و انگیزه‌های درونی او برای کشف و ابتکار قوی است. حرف زدن را دوست دارد و مهارتش در آن به مراتب بیش‌تر از نوشتن است. اشتیاق زیادی به پاسخ‌گویی دارد و معمولاً این کار را بدون توجه به دانستن جواب صحیح، انجام می‌دهد. ممکن است که معلم دبیرستان در برانگیختن دانش‌آموزان به فعالیت‌ها و طلبانه در

اعتماد آن‌ها از ما سلب می‌شود. (شعاری نژاد، ۱۳۷۳)

کلاس درس و تدریس را خوشایند و لذت بخش کرد. هم چنین سعی شود موضوعاتی که در کلاس درس مورد بحث قرار می‌گیرد با آن چه دانش آموز در خارج از کلاس با آن روبه‌روست، شباهت داشته باشد.

### خصوصیات بدنی کودک دبستانی

رشد جسمانی در دوره دبستان، نسبتاً کندتر از دوره‌های قبل است. قد کودک شش ساله تقریباً یکصد و دوازده سانتی‌متر و وزنش بیست و دو کیلوگرم است. تاده سالگی پسران از دختران اندکی بلندتر و سنگین‌ترند، ولی در پانزده سالگی دختران از پسران در این زمینه پیشی می‌گیرند. نسبت و شکل اندام‌های بدن، به بزرگسالان شبیه می‌شود و استخوان‌های بدن سخت می‌گردند. فشارخون کودک به تدریج افزایش پیدا می‌کند، اما از ضربان قلب او کاسته می‌شود. پسران بیش‌تر بافت‌های ماهیچه‌ای و دختران بیش‌تر بافت‌های چربی دارند. (شفیع آبادی، ۱۳۷۰، ص ۸۱ - ۷۸)

کودکان در این دوره هنوز هم بیش از حد فعال‌اند و چون در مدرسه برای اولین بار مجبور می‌شوند که بیش‌تر به صورت نشسته فعالیت کنند، انرژی خود را معمولاً به شکل عادات عصبی، چون جویدن مداد، مکیدن انگشت، بیچ دادن مو و بی‌قراری عمومی صرف می‌کنند. نشستن طولانی بر روی صندلی در کلاس درس، آن‌ها را خسته می‌کند و تمرکز اصلی آنان در همان چهل دقیقه اول کلاس است و بعد از آن، کاهش بازده یادگیری در ایشان مشاهده می‌شود. برای جلوگیری از کاهش یادگیری، می‌توان همراه با فعالیت ذهنی، فعالیت عملی به آن‌ها واگذار کرد، مثلاً دانش‌آموزان را پای

بسیاری از کودکان آرزوهای غیر واقع‌گرایانه‌ای برای خود دارند و ناتوانی در رسیدن به آن‌ها باعث احساس حقارت و گناه می‌شود. کودک باید یاد بگیرد که از کارهای ساده شروع کند، زیرا تجارب موفقیت‌آمیز در این راه باعث می‌شود که کارهای مشکل‌تر را تحمل کند و هدف‌های او با توانایی‌هایش هماهنگ شود. کارهایی که کودک انجام می‌دهد باید مورد علاقه‌اش باشد. اگر کودک اجباراً به کاری مشغول گردد که مورد علاقه‌اش نیست، چنان نفرتی در وی ایجاد می‌شود که بعداً از دست زدن به مشاغل و سرگرمی‌های دیگر خودداری خواهد کرد.

یکی از مسائل مهم که به نحو چشمگیری وجود دارد، فراموشی در کودکان است. تشخیص علل فراموشی و سعی در از میان بردن یاب‌ه حداقل رساندن اثرات آن، اهمیت زیادی دارد. باید سعی شود که دانش‌آموز مطالب را خوب یاد بگیرد. از مثال زدن، امتحان گرفتن و نوشتن استفاده شود تا مطلب تکرار گردد. بر معنا و مفهوم درس تأکید شود. از حفظ کردن طوطی‌وار یا تکرار بدون اندیشه پرهیز گردد. هم‌چنین باید

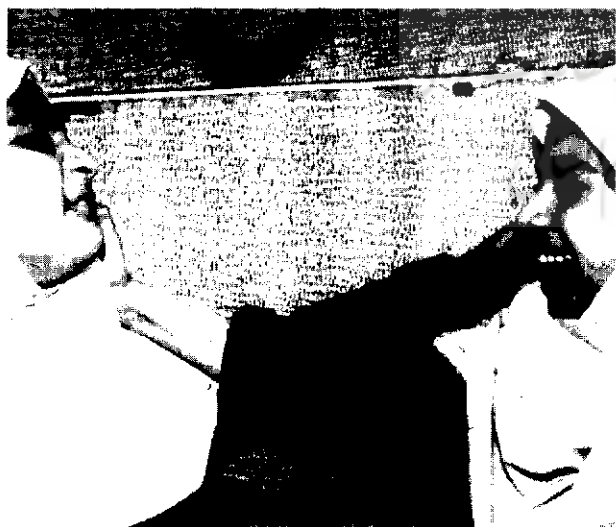


کودک در این سن،  
بیش‌تر به بازی‌هایی  
تمایل دارد که با حرکات زیاد  
توأم باشد و می‌خواهد سرعت،  
قدرت و مهارت خود را  
امتحان کند.

کوشش خود را برای پیروزی بر دشمن به عمل آورد.  
(شعاری نژاد، ۱۳۷۲، ص ۲۷۴)

### خصوصیات عاطفی و اجتماعی کودک دبستانی

کودکان در این مرحله، در انتخاب دوستان خود سخت‌گیری بیش‌تری می‌کنند. آن‌ها احتمالاً یک دوست صمیمی کم و بیش دائمی دارند و ممکن است که یک دشمن هم داشته باشند. در دوره اول ابتدایی مانند دوره کودستان، می‌توانید از گروه‌سنجی استفاده کنید تا از دوستی‌ها سر در بیاورید و سپس کودکانی را که در دوست‌یابی مشکلاتی دارند، یاری کنید. هم چنین مواظب نزاع‌های دیرپا باشید، زیرا ممکن است از اختلافات دوستانه فراتر رود. دعوای در این دوره بسیار زیاد است و دختران بیش‌تر از کلمات رکبک استفاده می‌کنند تا تهاجم بدنی، ولی بیش‌تر پسرها به مشت زدن، گلاویز شدن و هل دادن می‌پردازند. سعی کنید که دلیل دشمنی را پیدا کنید و آن‌ها را آشتی دهید. در این دوره رقابت کودکان افزایش می‌یابد و لاف زدن معمول می‌شود. نتایج منفی رقابت زیاد است، لذا بهتر است از مقایسه کودکان در جمع خودداری کنید و به جای هم چشمی با دیگران، آن‌ها را به رقابت با خود تشویق کنید. اگر کودکی در رقابت با خویش احساس موفقیت کند نیازی ندارد که با لاف زدن دیگران را



تخته فرستاد، به جای نوشتن روی کاغذ، با انگشت در هوا بنویسند، تنفس‌های متعدد داشته باشند و... انجام فعالیت‌های هنری و ورزشی بعد از فعالیت‌های شدید ذهنی مؤثر است.

کودکان، به ویژه پسرها، هنوز مهارت کافی در کنترل عضلات کوچک ندارند، از این رو کار کردن با مداد معمولاً با اشکالاتی همراه است، بنابراین از دادن تکالیف زیاد، برای زمان محدود، باید پرهیز کرد. اگر کودکان مجبور شوند که زیاد بنویسند، نگرش منفی نسبت به نوشتن پیدا می‌کنند، بسیار بد خط می‌نویسند و حتی ممکن است از مدرسه بیزار شوند.

کودکان در این سن معمولاً دوربین‌اند و هماهنگی کامل بین چشم‌ها و دست‌هایشان وجود ندارد. بنابراین باید از کتاب‌هایی بیش‌تر استفاده شود که خط آن‌ها درشت باشد. اغلب دختران از نه سالگی به بعد، به بلوغ جنسی می‌رسند و خصوصیات ثانوی جنسی در آنان به تدریج ظاهر می‌شود. توجه و کنجکاوی در مورد جنسیت، تقریباً همگانی است. دختران بین سنین یازده تا چهارده سالگی، به طور متوسط بلندتر و سنگین‌تر از پسرهای هم‌سن خودند. (بیلر، ۱۳۶۹، ص ۱۶۸)

کودک در این سن، بیش‌تر به بازی‌هایی تمایل دارد که با حرکات زیاد توأم باشد و می‌خواهد سرعت، قدرت و مهارت خود را امتحان کند. او به بازی‌های دسته جمعی علاقه مند می‌شود و می‌خواهد در هر بازی رفیق و شریکی داشته باشد تا به او کمک کند و مخالفی که به مبارزه و مباحثه با او پردازد، زیرا در این مرحله، میل به رقابت ظاهر می‌شود و دوام و شدت می‌یابد و کودک را او می‌دارد که نهایت

از مقایسه کودکان  
در جمع خودداری کنید  
و به جای هم چشمی  
با دیگران،

آن‌ها را به رقابت با خود  
تشویق کنید.





## از مقایسهٔ کودکان در جمع خودداری کنید

و به جای هم‌چشمی  
با دیگران،

آن‌ها را به رقابت با خود  
تشویق کنید.



### پیش‌نهاده‌ها:

- حواس مختلف کودک سالانه باید توسط والدین یا معلم، مورد ارزیابی قرار گیرد.
- برنامهٔ آموزش باید با میزان رشد ذهنی کودک هماهنگ باشد. از این رو چیزی که در حد توان کودک نیست از او انتظار نداشته باشیم، زیرا باعث اختلالات رفتاری کودک می‌شود.
- تدریس در سال‌های اولیهٔ مدرسه باید بر پایهٔ محسوسات دانش‌آموز متکی باشد. یعنی معلم طوری تدریس کند که همهٔ حواس کودک در امر یادگیری دخیل باشند.
- هرگز نباید به دلیل عدم موفقیت، کودک را تنبیه کرد.
- برای تقویت اعتماد به نفس و اطمینان کودک باید چیزهایی را که می‌داند از وی سؤال کرد.
- به کودک فرصت دهید تا به اشتباه خود پی ببرد و آن را اصلاح کند.
- در امر آموزش مربی و کودک هر دو باید فعال باشند.
- سطح خستگی‌پذیری کودک را هرگز فراموش نکنید.
- شیوهٔ نشستن کودک بر روی صندلی مورد توجه قرار گیرد. بسیاری از مشکلات جسمی کودکان در اثر رعایت نکردن روش صحیح نشستن بر روی نیمکت و صندلی ایجاد می‌شود.
- آموزش‌ها همیشه باید بر جنبه‌های متفاوت رشد کودک منطبق باشد.

### منابع:

- احدی، حسن و محسنی، نیک چهره: روان‌شناسی رشد، چاپ و نشر بنیاد، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۱.
- بیلر، رابرت: کاربرد روان‌شناسی در آموزش (جلد اول و دوم)، ترجمهٔ پروین کدیور، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ سوم، تهران ۱۳۶۹.
- سیف، علی‌اکبر: روان‌شناسی پرورشی، انتشارات آگاه، تهران ۱۳۶۸.
- شفیع‌آبادی، عبدالله: مبانی روان‌شناسی رشد، شرکت سهامی چهره، تهران ۱۳۷۰.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر: روان‌شناسی رشد، انتشارات اطلاعات، تهران ۱۳۷۲.
- استویارده، میریام: کودک خود را بیازمایید، ترجمهٔ پروین بلورچی، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، تهران ۱۳۷۷.

متقاعد کند که برتر از همه است. در خلال سال‌های اول مدرسه، والدین و معلمان، الگوی رفتار کودک‌اند و کودکان سعی دارند که از آن‌ها تقلید کنند، ولی در پایان دورهٔ ابتدایی تقلید از دوستانشان، مهم‌تر از خشنود کردن معلمان است. کودکان گاهی اوقات به شکل دسته‌هایی کم و بیش انحصاری از دختران و پسران اقدام می‌کنند. این گروه‌ها معمولاً در خارج از مدرسه فعال‌ترند، مع‌هذا، گهگاه بین دو گروه کشمکش آغاز می‌شود و ممکن است کلاس را به صحنهٔ جنگ تبدیل کنند. اگر این کار اتفاق افتاد گاهی تدبیر مؤثر این است که افراد دو گروه مخالف را در انجمن‌های همکاری عضویت دهید. (بیلر، ۱۳۶۹، ص ۱۸۲ - ۱۵۹)

علائق دخترها و پسرها به تدریج تفاوت بیش‌تری پیدا می‌کند. نزاع بین دو جنس احتمالاً به صورت توهین به یکدیگر و رقابت‌های درسی، ورزشی و غیره در می‌آید. پسرها احتمالاً بیش‌تر به انتقاد از دخترها می‌پردازند، زیرا دخترها از نظر بدنی و تحصیلی از آن‌ها برترند. بهتر است از مقایسهٔ آشکار پسرها و دخترها اجتناب شود.

دانش‌آموزان دورهٔ اول ابتدایی به انتقاد و تمسخر حساس‌اند و ممکن است در پذیرفتن شکست با مشکلاتی روبه‌رو شوند. آن‌ها نیاز شدید به تشویق و توجه دارند. تقویت مثبت را تا حد ممکن فراهم کنید و از تمسخر و سرزنش به‌طور جدی خودداری کنید. در این دوره، کودکان علاقه‌مندند که معلم را خشنود کنند. دوستدار کمک‌کردن‌اند، از مسئولیت لذت می‌برند و مایل‌اند که تکالیف مدرسهٔ خود را خوب انجام دهند. برای رضای میل به کمک‌کردن دانش‌آموزان، آن‌ها را به نوبت به کارهایی مثل توزیع کاغذ در کلاس درس، خالی کردن سطل زباله و غیره مشغول کنید.